

آرامش اقتصادی با نمایش اقتدار نظامی / چرا نرخ ارز کاهشی شد؟



شناسه خبر: ۱۴۰۹۵۲ دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۳ - ۱۳:۱۹

درحالی با پاسخ نظامی ایران به تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی برخی پیش بینی رشد غیرمنتظره نرخ دلار را می کردند، ولی نمایش اقتدار نظامی ایران نه تنها قیمت های تخیلی ارز را محقق نکرد، بلکه قیمت ها کاهشی شد.

به گزارش خبرنگار اقتصادی موج خبر، قیمت ارز در هفته های اخیر با نوساناتی همراه بود که این نوسانات بعد از حمله اسرائیل به سفارت جمهوری اسلامی ایران در سوریه به اوج خود رسید. تا قبل از پاسخ ایران به اسرائیل بازار طلا و ارز شاهد نوسانات لحظه ای و رشد شدید قیمت ها بودند.

بازار از ترس درگیری بیشتر و احتمال آغاز جنگ بین ایران و اسرائیل در 10-12 روز گذشته به شدت با افزایش قیمت ها همراه بود اما بعد از پاسخ محکم ایران به اسرائیل، ورق در بازارهای ایران برگشت.

بازارهای ارز، طلا و سکه درحالی از دیروز با روند کاهشی و افزایش فروشندگی ها به فعالیت خود ادامه می دهند که دلالها و سفته بازان که صبح دیروز و بعد از پاسخ ایران به اسرائیل انتظار دلار 75 هزار تومانی را داشتند، می گفتند دلاری که صبح 70 را رد کرد الان به زور 64 هزار تومان خرید و فروش می شود!

مشاهدات میدانی از خیابان منوچهری و صرافی های خیابان فردوسی نشان میدهد که دلالها از ترس اینکه از بازار عقب بیافتند دنبال فروش دلارهای خود هستند و همین موضوع موجب هیاهو در بین دلالها و سفته بازان بازار ارز شده است.

در بازار سبزه میدان نیز وضعیت مشابه فردوسی بوده است، بعد از پاسخ محکم ایران به اسرائیل، آرامش به این بخش هم بازگشت و قیمت ها که سربه فلک کشیده بودند با تغییر فاز در مدار نزولی قرار گرفته اند؛ البته معامله گران عمده در بازار طلا و کسبه این بخش هم مانند دلارفروشان، می گویند بعد از پاسخ ایران، قیمت ها کاهشی شده و این وضعیت در روزهای آینده هم ادامه خواهد داشت.

قیمت سکه در بازار متشجع پیش از نمایش اقتدار نظامی ایران در منطقه و جهان به 46 میلیون هم نزدیک شده بود ولی امروز به کانال 43 میلیون تومان بازگشته است؛ قیمت هر گرم طلای 18 عیار نیز که به 4 میلیون تومان هم رسیده بود با بازگشت آرامش به بازارها به 3 میلیون و 700 هزار تومان رسیده و فعالان بازار طلا پیش بینی می کنند در صورتی که آرامش برقرار باشد و درگیری نداشته باشیم، قیمت طلا به 3 میلیون و 400 هزار تومان هم برمی گردد.

بازار سرمایه هم از صبح امروز و با پایان یافتن تنشهای منطقه ای و آرامش نسبی در فضای سیاسی، به رنگ سبز درآمده و با افزایش قابل توجه تقاضای خرید مواجه است.

همانطور که از تابلوی قیمتی بازارهای ارز، طلا، سکه و سرمایه مشخص است، نمایش اقتدار نظامی و ملی کشورمان در منطقه و دنیا و پاسخ محکم به اسرائیل توانسته مقدمات بازگشت آرامش و ثبات اقتصادی را فراهم کند و انتظار می رود بعد از این با سیاست های اقتصادی مناسب مقدمات بازگشت آرامش اقتصادی و ثبات قیمت ها هم در بازارها فراهم شود.

از آنجایی که تحولات ارزی حکم علامت دیگر بازارهای اقتصادی را دارند و طبق قانون نانوشته ای بین مردم و فعالان اقتصادی تحولات نرخ ارز مسیر قیمت ها در دیگر بازارها از جمله کالا و خدمات را مشخص می کند، در ادامه مروری خواهیم داشت بر عوامل موثر بر تحولات نرخ ارز.

به طور کلی عوامل تعیین کننده تحولات نرخ ارز را می توان به سه دسته عوامل "بنیادین (منابع و ذخایر ارزی، نقدینگی)"،

"حملات سفته‌بازی" و "شوک‌های برونزا (عوامل سیاسی و تحولات بازارهای جهانی)" تقسیم‌بندی کرد. بعلاوه باید توجه داشت که ساختار بازار ارز در اقتصاد ایران مشتمل بر بازار رسمی و غیررسمی است و تاثیر تحولات هر کدام از عوامل فوق‌الذکر روی نرخ ارز، بسته به اینکه موضوع تحلیل کدام بازار باشد، متفاوت خواهد بود.

تقاضای ارز در بازار غیررسمی شامل تقاضای معاملاتی غیرمجاز ارز (قاچاق ورودی کالا و خروج سرمایه از کشور)، تقاضای سفته‌بازی و تقاضای احتیاطی ارز است و در سمت عرضه نیز شامل عرضه ارز ناشی از قاچاق خروجی کالا، کم‌اظهاری در صادرات و بیش‌اظهاری در واردات است.

در سوی دیگر؛ بازار رسمی ارز شامل عرضه و تقاضای واقعی ارز است که سمت عرضه آن از محل صادرات نفتی و غیرنفتی کالا و تقاضای آن شامل تقاضای ارز جهت واردات کالا و خدمات مجاز است. با توجه به اینکه معاملات ارز در بازار غیررسمی پوشش معاملات قاچاق و فرار سرمایه است، لذا نرخ آن شامل هزینه ریسک انجام معاملات غیرمجاز نیز می‌باشد، در حالی که نرخ ارز در بازار رسمی تنها دربرگیرنده هزینه نقل و انتقال و تبدیل ارز است و شامل هزینه ریسک انجام معاملات غیرقانونی نیست.

تحت این شرایط نرخ ارز در بازار غیررسمی بالاتر از نرخ بازار رسمی خواهد بود. ضمن اینکه تقاضای سفته‌بازی و احتیاطی ارز در بازار غیررسمی به شدت متأثر از عوامل انتظاری، روانی و تحولات سیاسی است.

از آنجا که تغییر محسوسی در وضعیت متغیرهای بنیادین تعیین‌کننده نرخ ارز صورت نگرفته؛ می‌توان ریشه تحولات اخیر بازار غیررسمی ارز را در عوامل تحریک‌کننده تقاضای ارز به صورت سفته‌بازی و تقاضای احتیاطی دانست.

بطور مسلم شوک‌های برونزا به صورت منازعات سیاسی و نظامی منطقه، حمله تروریستی رژیم غاصب صهیونیستی به سفارت ایران که در واقع خاک کشور محسوب می‌شود و انتظار عکس‌العمل بازدارنده از سوی ایران به این رژیم و ابهاماتی که نسبت به عکس‌العمل‌های زنجیره‌ای مرتبط وجود دارد، از جمله عوامل تحریک‌کننده تقاضای ارز در بازار غیررسمی طی روزهای اخیر بوده است.

ضمن اینکه در سمت عرضه نیز شکل‌گیری انتظارات افزایشی در خصوص نرخ ارز، ناشی از عوامل یاد شده، موجب کاهش عرضه ارز در این بازار شده است. بنابراین جهش روزهای اخیر نرخ ارز در بازار غیررسمی ریشه در عوامل روانی و انتظاری دارد که نقطه شروع آن منازعات سیاسی و نظامی بوده است. در این بین نباید از اقداماتی که برخی افراد و گروه‌های سودجو، که با اشاعه شایعات و تشدید جو روانی منفی از طریق شبکه‌های مجازی به قصد انتفاع بیشتر از

شرایط نااطمینانی موجود انجام می‌دهند نیز غافل شد.

* عملکرد کانال‌های تلگرامی در دامن زدن به نوسانات نرخ ارز / دلار تلگرامی 2 هزار تومان گرانتر از کف بازار

تلاش و تکاپوی کانال‌های تلگرامی برای تشدید نوسانات ارزی و نرخ‌سازی‌های کاذب موضوع مهمی است که نباید از آن غافل شد؛ بارها تأکید شده که نرخ‌های این کانال‌ها نمی‌تواند مرجع و مبنایی برای قیمت ارز در بازار آزاد باشد اما بازهم برخی از افراد و بعضاً کارشناسان اقتصادی و نماینده‌های مجلس و اتاق بازرگانی و ... به آنها استناد می‌کنند.

عملکرد و قیمت‌های این کانال‌ها بخصوص در روزهای پرنوسان بازارها همواره با انتقاد جدی همراه بوده است؛ به عنوان مثال روز قبل و همزمان با استارت ریزش قیمت‌ها در بازار ارز، قیمت دلار در کف بازار روی کانال 65-66 هزار تومان در نوسان بود ولی قیمت این کانال‌ها برای دلار 68 هزار تومان درج شده بود! معمولاً کانال‌های تلگرامی دلار را 2 هزار تومان گرانتر از بازار قیمت گذاری می‌کنند.

نکته‌ای که در این رابطه باید مورد توجه قرار گیرد آن است که بخش عمده‌ای از نرخ‌سازی‌های کانال‌های تلگرامی خود معلول شرایطی است که سبب بروز اختلال و آشوب در بازار غیررسمی ارز نیز می‌شود. به عبارتی وقتی فعالیت معامله‌گران فردایی در کانال‌های تلگرامی تا پاسی از شب ادامه می‌یابد در حالی که بازار غیررسمی و رسمی ارز تعطیل است، تنها عاملی که می‌تواند منجر به نرخ‌سازی در این معاملات گردد اخبار و شایعاتی است که در رابطه با تحولات سیاسی و عوامل انتظاری بین معامله‌گران در جریان است.

اینکه کارشناسان و فعالان اقتصادی در تحلیل خود به نرخ‌های کانال‌های تلگرامی مراجعه می‌کنند باید به این نکته توجه داشته باشند که تصمیم‌ها و تحلیل‌های آنها به شدت متأثر از عوامل روانی و هیجانی است و عوامل بنیادین نقش معناداری در تصمیمات آنها ندارد.

در این راستا و در پی چالش‌های ایجادشده ناشی از گسترش معاملات فردایی ارز، به‌ویژه در بستر کانال‌های تلگرامی، طی سالهای اخیر پیشنهادهایی در خصوص راه‌اندازی بازاری برای معاملات ابزارهای مشتقه ارزی و تعریف سازوکار رسمی و قانونی برای معاملات فردایی، مطرح شده است.

ولی نکته مهم در این خصوص نیز، وجود پیش‌شرط‌ها و الزاماتی است که بدون تحقق آنها، کارایی مشتقات ارزی به عنوان مکانیزمی برای کاهش ریسک نرخ ارز با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. در رابطه با موضوع مقابله با نرخ‌سازی کاذب

کانال‌های تلگرامی توجه به این نکته ضروری است که این امر صرفاً در حوزه اختیارات و وظایف بانک مرکزی نبوده و لازم است به عنوان یک اقدام مکمل در راستای محدود سازی و توقف مبادلات ارزی غیر واقعی در بستر این کانال‌ها، اقدامات کنترلی دیگری نیز از سوی طیفی از دستگاه‌ها و نهادهای حاکمیتی، متناسب با حوزه اختیارات و وظایف آن‌ها، در دستور کار قرار گیرد.

هرچند بانک مرکزی به منظور مدیریت جریان‌های مالی بازار غیررسمی ارز اقدامات گسترده‌ای را در زمینه حکمرانی ریالی به انجام رسانده یا در دست اقدام دارد. در مقوله حکمرانی ریال؛ مجموعه اقدامات و ابزارهایی برای استفاده از ظرفیت‌های نظام پرداخت ریالی و اطلاعات موجود در تراکنش‌های بانکی، به منظور افزایش امکان رهگیری تمامی تراکنش‌های ریالی اشخاص اعم از حضوری و غیر حضوری که از منظر عملیاتی به معنای تأمین بستری جهت تشخیص مبدأ، مقصد و هدف هر تراکنش ریالی می‌باشد، برای رصد و کنترل جریان‌ات ورودی و خروجی مالی تعبیه شده است.

تکمیل زیرساخت‌های اطلاعاتی، قوانین و قواعد در نظام‌های بانکی، مالیاتی، گمرکی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، ثبت اسناد، ثبت احوال و مرکز اطلاعات در بانک مرکزی در دست پیگیری جدی قرار دارد. انتظار می‌رود با تکمیل زیرساخت‌های مورد نظر حجم عمده‌ای از این معاملات غیرشفاف مخل نظام ارزی و اقتصادی کشور آشکار و به این ترتیب زمینه برخورد مقتضی با آن‌ها فراهم گردد.

* در تلاطم‌های ارزی، وظیفه بازارساز و سیاست گذار ارزی چیست؟

به طور کلی وظیفه سیاست‌گذار در چنین شرایطی تلاش در جهت برقراری و حفظ ثبات و آرامش در بازار ارز و کنترل انتظارات تورمی است. اقداماتی که در این زمینه می‌تواند انجام گیرد در افق زمانی کوتاه‌مدت و میان‌مدت قابل پیگیری است.

طبق اعلام قبلی مسئولان بانک مرکزی، این بانک در راستای برقراری ثبات اقتصاد کلان مجموعه سیاست‌هایی را از اسفندماه سال 1401 تحت عنوان سیاست‌های تثبیت حول سه محور "پیش‌بینی‌پذیر نمودن اقتصاد و بازار ارز"، "کنترل رشد نقدینگی" و "تنظیم‌گری بازارها" در دستور کار قرار داد و طبق گفت‌وگوی تلویزیونی اخیر رئیس کل بانک مرکزی، قرار است اجرای سیاست‌های مزبور در سال 1403 نیز تداوم یابد.

همچنین طبق اظهارات قبلی، تقویت حکمرانی ریال به منظور مدیریت جریان‌های مالی و سرمایه‌ای مرتبط با بازارهای دارایی، از جمله ارز و طلا، نیز با قوت در بانک مرکزی در دست پیگیری است.

ضمن اینکه بانک مرکزی از مسیر 1- تهیه و تنظیم برنامه پولی برای کنترل رشد نقدینگی و پایه پولی برای سال‌های 1401 و 1402. 2- اتخاذ سیاست‌های پولی آینده‌نگر در خصوص کنترل رشد کل‌های پولی و تنظیم مناسب نرخ‌های سود 3- کنترل رشد ترانزنامه بانکها و اصلاح نظام بانکی و 4- مدیریت انتظارات تورمی و ثبات بازارهای مالی و دارایی به دنبال کاهش مخاطرات تورمی رشد نقدینگی بوده است.

به تبع این اقدامات، نرخ رشد نقدینگی در پایان سال 1401 معادل 31.1 درصد تحقق یافت که نزدیک به مقدار رشد هدف (30 درصد) قرار داشت. همچنین نرخ رشد نقدینگی در پایان سال گذشته به 24.3 درصد رسید که به میزان 0.7 واحد درصد نیز نسبت به رقم هدف گذاری کمتر بوده و در مقایسه با ابتدای سال گذشته این متغیر به میزان 8.8 واحد درصد کمتر شد.

گفتنی است، متوسط رشد نقدینگی کشور در بازه زمانی 20 ساله منتهی به 1402 معادل 28.5 درصد می‌باشد که این ارقام حاکی از آن است که رشد تحقق یافته نقدینگی در سال گذشته نسبت به متوسط بلند مدت به میزان قابل توجهی بهتر شده که به عنوان یک راهکار میان‌مدت جهت حفظ ثبات در بازار ارز، تداوم سیاست‌های تثبیت اقدامی مطلوب ارزیابی می‌گردد.

باید یادآور شد که سیاست‌های تثبیت صرفاً ناظر بر سیاست‌های اقتصاد کلان نبوده و مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات در حوزه‌های اجتماعی، سیاست خارجی، حکمرانی سیاسی و ... نیز بایستی پایه‌ریزی شود تا حوزه‌های مختلف و به طور خاص اقتصاد یک کشور بتواند در مقابل شوک‌های وارده مقاوم باشد.

کما اینکه رهبر معظم انقلاب در همان ابتدای سال 1401، ضمن اشاره به این موضوع که مشکل اصلی، مسئله‌ای اقتصادی است، فرمودند که در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مشکلاتی وجود دارد و همت همه دولت‌مردان باید بر رفع ناکارآمدی‌های موجود باشد. از فرمایشات ایشان می‌توان اینگونه استنباط نمود که مشکلات اقتصادی و تبعات آن، صرفاً ریشه در پدیده‌های اقتصادی ندارد و توجه به سایر بسترهای شکل‌گیری این معضلات ضروری خواهد بود.

این امر در موضوع سیاست‌های تثبیت نیز برقرار است، زیرا ممکن است بتوان به صورت مقطعی برخی نااطمینانی‌ها را تا حدودی با مدیریت بازار ارز مرتفع نمود، اما به خاطر ترمیم نشدن نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد، ممکن است مجدداً به علت ورود یک شوک و یا برخی اخبار منفی، بازار ارز دچار التهاب شده و نتیجه سیاست تثبیت اقتصاد کلان نیز کم‌رنگ شود.

در بعد کوتاه‌مدت، یکی از اقداماتی که سیاست‌گذار بایستی نسبت به آن اهتمام جدی داشته باشد تامین نیازهای واقعی

ارز در بازار رسمی است. هرچند ممکن است چنین سیاستی با انحرافات هم همراه باشد اما عدم پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی موجود سبب سرازیر شدن این گونه تقاضاها به بازار غیررسمی و تشدید التهاب و نوسان در بازار مزبور می‌شود.

* چرا کالاها و خدمات با دلار گران به دست مردم می‌رسد؟

طبق اعلام رئیس کل بانک مرکزی، در سال 1402 بیش از 69 میلیارد دلار ارز در بازار رسمی برای بخش‌های مختلف اقتصادی تامین شده که این میزان در مقایسه با رقم سال 1401، به میزان 5.9 درصد افزایش نشان می‌دهد و حدود 25 درصد تامین ارز کشور در سال 1402 با نرخ ترجیحی (28500 تومان) صورت گرفته که عمدتاً صرف کالاهای اساسی و ضروری، نهادهای دامی، مواد اولیه و تجهیزات پزشکی و دارو شده است.

بررسی‌ها پیرامون تخصیص ارز با نرخ ترجیحی و تاثیر آن بر قیمت کالاهای مشمول (مستقیم و غیرمستقیم) نشان می‌دهد درحالی که نرخ دلار بازار غیررسمی در هفته منتهی به 25 اسفند 1402 نسبت به مدت مشابه سال 1401 حدود 29.9 درصد رشد داشته، برخی اقلام کالایی نظیر گوشت قرمز، گوشت مرغ، قند و شکر، چای و تخم مرغ با افزایش قیمتی به مراتب بالاتر از نرخ رشد دلار در بازار غیررسمی مواجه بوده‌اند.

در حالی که قیمت خرده فروشی کالاهایی نظیر انواع روغن نباتی در دوره مورد بررسی حتی با کاهش همراه بوده و قیمت خرده فروشی گروه حبوبات در حدود 27.3 درصد بوده که به میزان 2.6 واحد درصد کمتر از نرخ رشد دلار در بازار غیررسمی بوده است.

در رابطه با تخصیص ارز با نرخ ترجیحی لازم به اشاره است که اساساً نرخ ارز 28500 تومان برای هر دلار و معادل آن برای سایر اسعار نرخی برون آمده از معاملات در بازار ارز نیست بلکه نوعی سیاست حمایتی است که دولت در نهایت به منظور حمایت از معیشت مردم در پیش گرفته است.

به گفته برخی کارشناسان، چنانچه این سیاست کنار گذاشته شود بدون تردید اقلام اساسی، ضروری و دارویی با قیمت‌هایی به مراتب بسیار گرانتر از شرایط کنونی به دست مصرف‌کننده می‌رسد.

اما اینکه قیمت کالاهای مشمول ارز ترجیحی با نرخ‌های دلار بازار غیررسمی به دست مصرف‌کننده می‌رسد می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. ازجمله؛ افزایش قیمت در بازارهای جهانی، کاهش تولید و عرضه برخی کالاهای نهایی در داخل، افزایش قیمت سایر نهادهای تولید از جمله حقوق و دستمزد، کمبود مقطعی برخی کالاها در بازار ناشی از تاخیر

در عرضه آن‌ها به بازار، کاهش میزان تولید نهاده‌های تولید برخی کالاها در داخل، چالش‌های ناشی از خشکسالی، مشکلات تنظیم بازار برخی کالاها و نهاده‌های تولید آن‌ها، قاچاق خروجی کالا و شکل‌گیری انحصار در واردات و قیمت‌گذاری کالا و ... برخی استدلال می‌کنند که حالا که کالاها در بازار با نرخ بازار غیررسمی عرضه می‌شود پس باید ارزش ترجیحی حذف گردد و نرخ تامین ارزش کالاهای غیراساسی نیز تعدیل شود تا به قولی رانت حذف گردد.

در این رابطه باید به این نکته توجه داشت که تعدیل نرخ ارزش بازار رسمی باعث کاهش یا حذف شکاف بین نرخ‌های بازار رسمی و غیررسمی نمی‌شود و حتی می‌تواند نرخ بازار غیررسمی را نیز افزایش دهد. در این صورت کالاها با نرخ‌های بالاتری به دست مصرف‌کننده می‌رسد.

در هر صورت، در فرآیند رصد و پایش بازار کالاها و خدمات و نظارت و کنترل بر قیمت آن‌ها، دستگاه‌های متعددی از جمله سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، سازمان تعزیرات حکومتی و ... حسب وظایف و اختیارات خود مشغول فعالیت می‌باشند و ضرورت دارد نظارت هوشمند بر قیمت‌گذاری کالاهای مشمول ارزش با نرخ ترجیحی داشته باشند.

در این رابطه نظارت بر فرآیند توزیع کالاهای اساسی از مبدأ تا محل مصرف به منظور پیشگیری از قاچاق خروجی کالا امری حیاتی محسوب می‌شود. همچنین اجرای طرح کالابرگ الکترونیک جهت توزیع کالاهای اساسی نیز می‌تواند در راستای سیاست‌های تنظیم بازاری موثر واقع شود.

* بازگشت ارزش حاصل از صادرات به چرخه اقتصاد کشور/ تجربه کشورهای دیگر چیست؟

بازگشت ارزش صادراتی به کشور و اثر مستقیم آن بر بازار ارزش موضوع مهم دیگری است که نباید از آن غافل شد؛ در حقیقت برگشت ارزش حاصل از صادرات به چرخه رسمی پدیده منحصر به اقتصاد ایران نیست و کشورهای مختلف در قالب مدیریت جریان سرمایه و سیاست‌های خود در خصوص حفظ ارزش پول ملی کشورشان، مقوله برگشت ارزش حاصل از درآمدهای صادراتی به سیستم بانکی را دنبال می‌کنند. در این رابطه می‌توان به اعلامیه عمومی شماره 48/32-2018 کشور ترکیه که در تاریخ 4 سپتامبر سال 2018 منتشر شده و مطابق آن صادرکنندگان این کشور متعهد به برگشت ارزش حاصل از صادراتشان به داخل ترکیه و فروش معادل 80 درصد آن به یک بانک شده‌اند، اشاره نمود.

همچنین می‌توان کشور هند را به عنوان نمونه‌ای دیگر مثال زد. دپارتمان ارزی بانک مرکزی هند در 29 دسامبر سال 2015 بر اساس قانون مدیریت ارزی 1999، اعلامیه‌ای با شماره RB-2015/(R) 9 FEM را برای شناسایی، برگشت و

واگذاری درآمدهای صادراتی صادرکنندگان این کشور منتشر نموده و مطابق آن صادرکنندگان متعهد شده‌اند که به میزانی که درآمد صادراتی شناسایی نموده‌اند را به یکی از اشکال 1- فروش به یک شخص مجاز در هند در قبال دریافت روپیه، 2- نگهداری در حساب نزد یک معامله‌گر مجاز در هند به میزانی که توسط بانک مرکزی مشخص شده و 3- استفاده از آن برای پرداخت بدهی یا تعهدات ارزی به میزان مشخص شده توسط بانک مرکزی به چرخه اقتصادی این کشور برگردانند.

همچنین به عنوان نمونه دیگر می‌توان به فرمان پوتین در سال 2023 برای برگشت معادل 80 درصد ارز حاصل از صادرات به اقتصاد روسیه اشاره نمود. مطابق این فرمان از صادرکنندگان روسی خواسته شده حداقل 80 درصد درآمدهای ارزی صادراتی خود را نزد بانک‌های روسی سپرده‌گذاری کنند و سپس 90 درصد آنرا ظرف دو هفته در بازار داخلی به فروش برسانند.

همچنین در این چارچوب 43 گروه از شرکت‌های فعال در حوزه سوخت، انرژی، فلزات، محصولات شیمیایی و صنایع غلات و صنایع چوبی مشمول اقدامات کنترل سرمایه‌ای شدند. همانطور که ملاحظه می‌شود اقتصاد ایران یک نمونه ویژه و منحصر به فرد در مقوله مقرره‌گذاری در خصوص نحوه برگشت ارز حاصل از صادرات نمی‌باشد بلکه عموم کشورها در چارچوب اقداماتی که به منظور مدیریت جریان سرمایه‌ی خود تدوین نموده‌اند بر نحوه هزینه‌کرد درآمدهای صادراتی خود نظارت کامل دارند.

در مورد اقتصاد ایران که در معرض شدیدترین تحریم‌های مالی قرار دارد طبیعتاً باید موضوع مدیریت جریان سرمایه و برگشت ارز حاصل از صادرات و رفع تعهد ارزی واردکننده، به طریق اولی به عنوان راه‌کاری اساسی و پایه‌ای جهت مدیریت بازار ارز و تامین نیازهای واقعی اقتصاد با جدیت تمام پیگیری و به اجرا گذاشته شود.

بانک مرکزی در کنار مجموعه دولت، در راستای اجرای سیاست‌های کلان کشور و با توجه به اهمیت و ضرورت برگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور به منظور تأمین مواد اولیه و کالای واسطه‌ای بخش‌های تولیدی/صنعتی کشور در جهت حفظ اشتغال، تولید و رفاه مردم، دستورالعمل‌های لازم برای برگشت ارز حاصل از صادرات غیرنفتی را تنظیم و از سال 1397 ابلاغ کرده است.

بر این اساس، اولین بخش‌نامه بانک مرکزی در خصوص نحوه بازگشت ارز حاصل از صادرات، بر اساس سیاست‌های تعیین شده توسط کمیته موضوع ماده (2) مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی، در آبان‌ماه سال 1397 ابلاغ گردید که بر اساس آن، تمام صادرکنندگان، بابت صادرات انجام گرفته از تاریخ 22م فروردین‌ماه 1397 مکلف به بازگشت ارز شدند و

مقرر گردید، بانک مرکزی صرفاً برای تامین ارز واردات کالا و خدمات صادرکنندگانی که مطابق دستورالعمل مزبور عمل نمایند، تامین ارز انجام دهد.

مطابق دستورالعمل مذکور، "فروش ارز در سامانه نیما"، "واردات در مقابل صادرات خود" و "واردات در مقابل صادرات غیر"، به عنوان روش‌های بازگشت ارز صادرات اعلام و نسبت بازگشت ارز با استفاده از هریک از روش‌های مذکور، بر اساس ارزش صادرات انجام شده، تعیین گردید.

در ادامه بانک مرکزی، در کنار انعطاف‌پذیری لازم به منظور همکاری با صادرکنندگان، همواره دقت و جدیت لازم را در اجرای این سیاست مبذول داشته و به ارائه تغییرات لازم در بسته‌های سیاستی بازگشت ارز حاصل از صادرات متناسب با شرایط اقتصادی کشور، متنوع‌سازی روش‌های بازگشت ارز و در نظر گرفتن ابزارهای تشویقی لازم، متناسب با عملکرد صادرکنندگان در این زمینه، اهتمام ورزیده است.

اما نکته‌ای که در خصوص سیاست‌های دولت و بانک مرکزی در رابطه با برگشت ارز حاصل از صادرات در معرض انتقاد قرار می‌گیرد، به مقوله نرخ مبنای خرید ارز حاصل از صادرات برمی‌گردد، به این صورت که صادرکنندگان منفعت خود را در این می‌دانند که به ازای هر واحد ارز، بالاترین معادل ریالی ممکن را دریافت نمایند و حتی برخی نرخ‌های بازار غیررسمی را نرخ واقعی و تعادلی برای خرید ارز از صادرکننده می‌پندارند.

در این رابطه باید توجه داشت که نرخ ارز، به واسطه اثرگذاری بالا و متفاوت بر گروه‌های ذی‌نفع متعدد موجود در اقتصاد و جامعه، موضوعی حساس و چندوجهی است. از اهم حوزه‌های تأثیرپذیر از نرخ ارز می‌توان به صادرات غیرنفتی، واردات، روند ورود و خروج سرمایه و جهت‌گیری الگوی فعالیت و سرمایه‌گذاری در بخش واقعی اقتصاد اشاره نمود. هر کدام از ذی‌نفعان بازار ارز (صادرکنندگان یا واردکنندگان) نیز که از تحولات نرخ ارز متأثر می‌گردند، تعبیر متفاوتی از نرخ مطلوب ارز خواهند داشت و بعضاً بواسطه عدم تامین منافع بخشی، نرخ‌های جاری بازار ارز و سیاست‌های ارزی اجرا شده را غیربهبهینه و نامطلوب قلمداد می‌کنند.

اینکه سطح مطلوب و بهینه نرخ ارز برای یک اقتصاد چه می‌باشد، نیازمند بررسی دقیق تحولات درونی و بیرونی اقتصاد در نتیجه تغییرات نرخ ارز است. لذا، سیاست‌گذاری ارزی باید مطابق با نگاه کلان و ملی انجام پذیرد و در راستای حداکثر سازی منافع ملی اجرا شود.

اینکه سیاست‌گذار ارزی چه فاکتورهایی را در موضوع تعیین نرخ ارز در بازار رسمی مدنظر دارد متأثر از چند نکته است.

نخست آن که بررسی ترکیب واردات کالای گمرکی از حیث نوع مصرف نشان می‌دهد که بیش از 85 درصد ارزش واردات گمرکی را کالاهای اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای مورد نیاز تولید و سرمایه‌گذاری تشکیل می‌دهد.

در چنین شرایطی چنانچه هر صادرکننده‌ای تصمیم بر این داشته باشد که ارزش حاصل از صادرات خود را به قیمت و شیوه دلخواه خود هزینه نماید، با توجه به پیوندهای پسین و پیشین بین فعالیت‌های اقتصادی، قطعاً تولید کشور به لحاظ ترکیب و سطح دچار مشکل خواهد شد.

نکته دیگر اینکه بخش عمده درآمدهای صادرات غیرنفتی کشور از محل صادرات محصولات نفتی و فولادی است که مجموعه دولت و حاکمیت به انحاء مختلف تسهیلات و امکانات لازم برای تشویق تولید و سرمایه‌گذاری در این زمینه، از جمله انرژی یارانه‌ای، را در اختیار این واحدهای تولیدی قرار داده است. لذا ضرورت دارد در شرایطی که کشور در جنگ اقتصادی قرار دارد، این واحدها مساعدت لازم را با کل اقتصاد کشور داشته باشند.

* مبنای نرخ گذاری بانک مرکزی چیست؟

انتقاداتی به نرخ‌های مرکز مبادله و حواله ارزش بعضاً از سوی برخی فعالان اقتصادی مطرح می‌شود که قابل تأمل است، اطلاعات دریافتی نشان می‌دهد که در رابطه با مکانیسم تعیین نرخ ارزش و نرخ‌هایی که برای منابع و مصارف مختلف ارزی استفاده می‌شود، طیف وسیعی از پارامترها در تعیین نرخ‌هایی مبادله شده موثر می‌باشند. لذا سیاست‌گذار پولی و ارزی (بانک مرکزی) یک نرخ را به عنوان نرخ سیاستی برای یک بازه زمانی میان مدت در نظر می‌گیرد که متناظر و متناسب با سایر متغیرهای کلان اقتصادی تعیین‌کننده تحولات نرخ ارزش تعیین شده است.

بر این اساس، بسته به 1- وضعیت فعلی و پیش‌بینی منابع و مصارف ارزی، 2- اسکناس و حواله بودن ارزش مورد نظر، 3- شرایط معامله و نرخ تبدیل اسعار مختلف به ارزش مورد درخواست فروشندگان خارجی و 4- هزینه‌های نقل و انتقال، نرخ‌های متفاوتی برای معاملات خرید و فروش در بازه‌های زمانی کوتاه مدت در بین گروه‌های مختلف فعالان اقتصادی برقرار می‌گردد.

در شرایط تحریمی فعلی که دسترسی نظام بانکی به روابط کارگزاری بین‌المللی رسمی بسیار محدود گشته است، هزینه‌های نقل و انتقال و تبدیل ارزهای مختلف به ارزش‌های پرمصرف یکی از عوامل اصلی تعیین نرخ مورد توافق بین صادرکنندگان و واردکنندگان خواهد بود. همچنین، تفاوت بین نرخ اسکناس و حواله یک ارزش نیز موضوعی کاملاً طبیعی در بازار ارزش می‌باشد. اسکناس ارزش کاربرد کمتری در مراودات مالی و تجاری دارد و بیشتر کاربرد آن در مصارف خرد

ارزی است؛ لیکن چون تهیه اسکناس از خارج و انتقال آن به داخل با هزینه همراه است، نرخ آن بالاتر از نرخ حواله تعیین می شود.

نکته دیگری که در این رابطه باید مورد توجه قرار گیرد آن است که در شرایط کنونی اقتصاد ایران که تحت تاثیر قیود و چالش های بیرونی حاکم بر محیط اقتصاد قرار دارد، تاکید بر شناورسازی نرخ ارز به مصلحت نبوده و در عمل به منزله دنباله روی بازار حواله از نوسانات بازار غیررسمی خواهد بود.

همچنین، آنچه مسلم است استقرار میان مدت و بلندمدت نظام نرخ ارز ثابت نیز مستلزم برخورداری از سطح مناسبی از ذخایر ارزی، تورم پایین و محیط سیاسی و اقتصادی باثبات است.

لذا سیاستگذار حتما می داند چنانچه هر یک از این عوامل تحقق نیابند، حمایت از نرخ های ثابت با چالش مواجه می گردد. از این رو بانک مرکزی نیز تعدیل نرخ ارز متناسب با تغییرات قیمت های نسبی و تحولات سایر متغیرهای کلان اقتصادی را نکته ای ضروری و مطلوب ارزیابی می نماید و در این خصوص نیز نسبت به تعدیل نرخ های اسکناس و حواله در مرکز مبادله ارز و طلای ایران اقدام نموده است.

رصد تحولات نرخ حواله در مرکز مبادله ارز و طلا در سال 1402 گویای آن است که متوسط نرخ فروش حواله دلار با 7.3 درصد افزایش از 373.3 هزار ریال در فروردین ماه به 400.5 هزار ریال در اسفندماه این سال رسیده است ضمن اینکه ضریب تغییرات نرخ حواله دلار در سال 1402 برابر 2.4 درصد بوده است.

بنابراین همان گونه که مشهود است، ضمن اینکه بازار حواله از کمترین نوسان برخوردار بوده است، متناسب با وضعیت منابع و مصارف ارزی تعدیل نرخ نیز انجام گرفته است.

در مجموع اینکه، مجموعه اقدامات بانک مرکزی در خصوص تشویق و تسریع بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور و تداوم پیگیری و جدیت به کارگرفته شده در این امر، نه تنها به عنوان ضربه گیر نوسانات مقطعی نرخ ارز عمل نموده و منجر به کنترل بازار ارز و حفظ ثبات و آرامش آن در یک مقطع بلندمدت گردید، بلکه وضعیت مناسب تامین ارز مورد نیاز واردات تحت تاثیر بهبود شرایط عرضه ارز باعث شد، علی رغم تاثیرپذیری تجارت خارجی کشور از شوک های بیرونی متعدد نظیر تداوم تحریم های اقتصادی و مالی، چالش های سیاسی، درگیری های نظامی، شیوع و همه گیری بیماری کرونا و ...، همچنین سهم بالای کالاهای سرمایه ای و مواد اولیه و کالاهای واسطه ای مورد نیاز تولید از کل واردات کشور، تاثیرات منفی عوامل ذکر شده بر فعالیت های تولیدی و سرمایه گذاری اقتصاد به حداقل برسد.

* آخرین وضعیت ارزی کشور چیست و به چه دلیل مردم نباید نگران چشم انداز پیش رو نباشند؟

طبق اعلام مسئولان، در ارزیابی شرایط ارزی کشور باید نگاهی واقع بینانه به شرایط جاری و پیش رو از حیث منابع و مصارف ارزی داشت. در خصوص وضعیت منابع ارزی، هرچند مطابق آمارهای گمرک ج.ا. ایران تراز تجاری گمرکی در سال 1402 کسری قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد اما صادرات نفت، میعانات گازی و گاز طبیعی در سال 1402 عملکرد بسیار مطلوبی داشته به نحوی که به رغم کاهش حدود 27.0 درصدی قیمت نفت در سال 1402 نسبت به سال قبل از آن ارزش صادرات نفتی رشد مثبت و بالایی را تجربه نموده است.

از بعد وصول درآمدهای ارزی کشور نیز با رویه‌ای که در دیپلماسی پولی و ارزی در بانک مرکزی با همکاری مجموعه وزارت نفت دنبال می‌شود، شرایط نسبتاً مطلوبی در موضوع وصول عواید ارزی اقتصاد برقرار است. در مقوله صادرات غیرنفتی هرچند با محدودیت‌هایی روبرو هستیم، از جمله اینکه صادرات به مقصد عراق به واسطه مقرراتی که بانک مرکزی این کشور در زمینه نقل و انتقالات ارزی در سیستم بانکی عراق پیاده‌سازی نمود، با چالش‌هایی روبرو شده، اما به موجب مذاکراتی که در این زمینه با طرف عراقی صورت گرفته مسائل و موضوعات در این زمینه تا حد زیادی مرتفع شده است.

به هر صورت به واسطه تحولات اقتصاد جهانی، افت و خیز درآمدهای صادراتی برای همه کشورها، از جمله اقتصاد ایران، اجتناب ناپذیر است و این احتمال وجود دارد که در برخی برهه‌های زمانی به واسطه افت قیمت یا کاهش مقدار تقاضا، با کاهش درآمدهای ارزی روبرو باشیم، ضمن اینکه تحریم برای اقتصاد ایران نیز مزید بر علت شده است.

علی القاعده در چنین شرایطی بایستی با مدیریت مصرف ارز با این شوک‌های کوتاه‌مدت مقابله نمود. در این رابطه تاکید بر این نکته ضروری است که هرآنچه که تقاضای قانونی ارز وجود دارد در چارچوب بازار رسمی ارز (مرکز مبادله ارز و طلای ایران) پاسخ داده شده و می‌شود. لذا در خصوص دو مقوله میزان ارز مورد نیاز و نوسانات نرخ‌ها در این بازار، با توجه به تمهیدات اندیشیده شده جای تشویش و نگرانی وجود ندارد.

* توصیه به مردم

طبق توصیه کارشناسان اقتصادی، آنچه که آحاد مردم و به طور خاص فعالین اقتصادی بایستی در تصمیم‌گیری‌های مالی و اقتصادی خود، با توجه به تحولات بازار ارز و نرخ ارز، مد نظر قرار دهند آن است که توجه داشته باشند ریشه التهابات جاری بازار ارز همانطور که قبلاً اشاره شد، عوامل هیجانی و روانی است که تاثیری گذرا بر نرخ ارز دارند.

دست کم تجربه سال های دهه 1390 شمسی و حتی مرور تحولات سال های اخیر حاکی از آن است که به محض فروکش نمودن جو روانی و شکل گیری چشم انداز مثبت در خصوص تحولات حوزه سیاست خارجی موجی از فروش دارایی های مالی، علی الخصوص ارز و طلا، شکل می گیرد و متضرر اصلی این ماجرا تنها مردم خواهند بود و دلالت آن تنها منتفع این شرایط می باشند.

توصیه ای که می توان به مردم داشت عدم ورود به بازار غیررسمی ارز و خرید ارز است. چون در این فرآیند با چند مخاطره روبرو خواهند بود. ابتدا اینکه مطابق آیین نامه اجرایی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، خرید ارز در بازار غیررسمی عملی مجرمانه محسوب می گردد و مجازات هایی در قانون برای مرتکبین دیده شده است. ضمن اینکه با توجه به اقدامات صورت گرفته در حوزه حکمرانی ریال از آنجا که یک طرف معاملات در بازار ارز به تراکنش های ریالی ختم می شود، احتمال قرارگیری خریداران ارز در زیر چتر مالیاتی بسیار بالا خواهد بود.

نکته دیگر اینکه در شرایطی که بازار ارز دچار التهاب و نوسان شدید است، احتمال عرضه ارز تقلبی بالاتر خواهد بود و با توجه به اینکه یک معامله غیرمجاز صورت گرفته امکان پیگیری و شکایت در محاکم قضایی برای مالباختگان احتمالی وجود ندارد.

انتهای پیام/

انتهای پیام/